

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

احیای اعتماد از دست رفته و بحران مدیریت در کشور چگونگی عملکردهای حاکمیت در داخل وصف بندی های منطقی مشکلات کادری "طالب" ها و نحوه مراجعه بکشورهای بیرونی

مقطع زمانی هجوم به شهر کابل، انتقام "طالب" ها و بحران مهاجرت
نظری به پس منظر وضعیت سیاسی - اجتماعی میهن عزیز ما
اهمیت سیری بر اوضاع کشور در واپسین روزهای جمهوریت
اظهارات اخلاق مدارانه

مدیریت در واقع، عبارتست از فرآیند بکارگیری کارآ و اثربخش منابع مادی و انسانی زیر نظام ارزشی پذیرفته شده آن جامعه با عنایت باصولی چون برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و نظارت بر بنیاد هدف‌های از پیش تعیین شده. تاکنون تعریف‌های متعددی برای مدیریت ارائه شده است. برخی از مهمترین تعریف‌ها را در اینجا بقرار ذیل بر می‌شماریم:

- هنر انجام کار بوسیله دیگران یا تفویض کار؛ - فرایندی که طی آن تصمیمگیری در سازمان‌ها صورت می‌گیرد؛ - انجام وظایف برنامه ریزی، سازماندهی، رهبری، هماهنگی و نظارت؛ - هماهنگی کوشش‌ها و مساعی اعضای سازمان و استفاده بهینه از منابع بمنظور نیل باهدف سازمانی؛ - ابقا کردن نقش رهبر، منبع اطلاعاتی، تصمیم‌گیرنده و رابط برای اعضای سازمان؛ - مجموعه‌ای از عملیات آگاهانه و مستمر بمنظور موفقیت یک سازمان. همچنان، مدیریت از دید کارکردی دربرگیرنده وظایفی همچون برنامه ریزی، تصمیمگیری، سازماندهی، نوآوری، هماهنگی، ارتباطات، رهبری، انگیزش و نظارت می‌گردد. این نوع تعریف‌ها از مدیریت اگر چه با کمی و کاستی یا فزونی‌هایی دروازه‌های بیان‌کننده وظایف روبرو میباشد، اما بنظر، روان‌تر از تعریف‌هایست که میکوشند مدیریت را محصور بیک ویژه‌گی خاص نمایند یا ارزش فلسفی خاصی به مفهوم بیافزایند. با این تعریف‌های متعددی از مدیریت با توجه به کارکردهای آن از سوی محققانی چون فایول یا گیولی دارای تفاوت‌هایی می‌باشد که بسادگی نمی‌توان از آن‌ها گذر نمود. آنچه واضح است علم مدیریت دروازه‌های بیان‌کننده وظایف روبرو می‌باشد، اما بنظر، روان‌تر از تعریف‌هایست که می‌کوشند مدیریت را محصور بیک ویژگی خاص نمایند یا ارزش فلسفی خاصی به مفهوم بیافزایند با این هم هنوز نتوانسته‌است تعریف خود را مدیریت نماید. مدیریت یک فرآیند است، مفهوم نهفته مدیریت هدایت تشکیلات انسانی است. مدیریت موثر، به گرفتن تصمیم‌های مناسب و دستیابی آگاهانه و مستمر انجام می‌شود و به سازمان شکل می‌دهد.

قبل از طرح سایر مسایل مورد بحث، بایست یادآور گردید که چگونگی سیر حوادث در کشور عزیز ما بروشنی بازگوی این واقعیت مسلم می‌باشد که "طالب" ها، با وجود گوناگونی سلیقه‌ای برخی از رهبران آنها، به کمک، مساعدت و عرق ریزی‌های مستقیم پاکستان، در کشور ما بارباب قدرت مبدل شدند. واقعیت امر اینست که علیرغم وعده‌هایی مبنی بر تشکیل دولت فراگیر و همه‌شمول در کشور، اما عمدتاً شبیه نظامیان و کسانی که در زمان حاکمیت رژیم قبلی در پاکستان بسر می‌بردند، به پست‌های دولتی گماشته شدند. اما در امتداد ما‌های پسین متوجه این واقعیت شدند که اغلب جنگجویان قبلی در شرایط و وضعیت کنونی، فاقد مهارت‌های لازم و ضروری بمنظور اداره کشور و رهبری ارگان‌های دولتی بوده و در بسیاری از مسایل و موارد با کمبودی‌هایی دست‌بگریبان می‌باشند. بخاطر داریم که پس از سقوط کابل در امتداد ماه اسد سال روان، هزاران

تن از شهروندان کشور بترک کشور همت گماردند. وضعیت بلاتکلیفی و سردرگمی باندازه ای سرپای جامعه را فرا گرفته بود که هر فردی از هموطنان ما تلاش می ورزید تا از شر چنین وضعیتی که در نتیجه حاکمیت جدید در کشور عرض وجود نموده بود، رهایی یافته و به محل و مکان امنی فرار نماید. نخبگان محلی، سیاستمدارها، تاجران، مدیران دولتی، نیروهای امنیتی و روشنفکران درگام نخست، به ترک کشور مبادرت ورزیدند. با چنین وضعیتی و در نتیجه وضعیت ناپایدار در کشور، بخشی از اداره های دولتی بدون مدیریت باقی ماندند. رهبران "طالب" ها حتا از خارجی ها بمنظور اجرای وظایف و مسؤلیت های یاد شده با پرداخت دستمزدهای گزافی دعوت بعمل آوردند. این، تنها بعرضه رهبری ارگانهای دولتی خلاصه نمی گردید، بلکه حتا دربرگیرنده امور مربوط به زیرساخت ها، دیپلوماسی، بهداشت و تعلیم و تربیه نیز میگردد. اما در شرایط و وضعیت کنونی پرسشی مطرح میگردد که آیا منطقی بنظر میرسد تا همه امیدها را به عملکرد پاکستان بست؟

نباید فراموش خاطر ما شود که سال های متمادی اسلام آباد بگونه رسمی از موجودیت و حضور جنگجویان "طالب" و سایر مخالفان مسلح در اراضی و قلمرو پاکستان که بویژه نامهای آنها در فهرست های سیاه بسیا ری از کشورها درج می باشد، بگونه جدی انکار میوزید. آنها براحتمی در اراضی و قلمرو پاکستان بود و باش نموده، از قطعه زمین های زراعتی برخوردار بوده، برخی از آنها بامور تجارت مصروف گردیده و در کمال امنیت و آرامش بسر می بردند. اما پس از برخی انتصابات رسمی در داخل کشور، این امر عملن باثبات رسید که زمامداران پاکستانی دروغ گفته و از اصل واقعیت مسأله بگونه ای طفره می روند. تاکنون هم واضح و مشخص نگردیده که به چه تعدادی از جنگجویان قبلی به کشور برگشته اند تا بصوف "طالب" بپیوندند. اما در سازمان ملل، زنگهای خطر در مورد درپرتگاه سقوط قرار گرفتن اقتصاد افغانستان بصدا درآمده است. همچنان یادآوری بعمل میآید که در امتداد سال روان، افغانستان ۳۰ درصد از محصولات خالص ملی خویش را از دست داده و بیکاری در میان مردان کشور به ۲۹ درصد افزایش حاصل خواهد نمود. تعزیرات اقتصاد دی، از جمله توقیف دارایی های بانک مرکزی کشور، سبب درهم ریختن سیستم بانک های دولتی گردید. باین ارتباط، سازمان ملل درخواست جمآوری مبلغ ۵ میلیارد دالر را بمنظور نجات و رهایی کشور ما از وضعیت کنونی و عمدتن بمنظور جلوگیری از بحران بشری در کشور رویدست گرفت.

در باره چگونگی عملکردها و نحوه فعالیت های موجود بایست خاطر نشان گردد که در شرایط حاضر و وضعیت کنونی کشور، اصل موجودیت کابینه متشکل از گردانندگان توانا و تکنوکرات های باتجربه بمتابیه ضرورت جدی پنداشته می شود، نه حضور فرماندهان میدانی و متکلمان آنها. قابل تذکر پنداشته میشود که بگونه عمده، فارغان دارالعلوم حقانی (یکی از جمله مراکز قدیمی در پاکستان) بمنظور اشغال پست های دولتی در کشور معرفی گردیده و بکارگماشته می شوند. نهاد یاد شده بدلیل روشهای منحصر بفرد تدریس به دانش آموزان و بدلیل موجودیت تعداد بیشماری از "طالب" های بنام و نشان، اعضای "القاعده"، همچنان ملأ عمر و سایر گروههای تروریستی در میان فارغان آن، بنام "پوهنتون جهاد" نامیده می شد که در امتداد سال ۱۳۵۹ بنیاد نهاده شده و بمتابیه یکی از مراکز آموزش های نظامی جنگجویانی شناخته شد که پس از فراگیری های لازم، بهدف تخریبکاری، کشتار شهروندان کشور ما و تداوم جنگ بر علیه نظامیان شوروی به کشور ما فرستاده می شدند. اقدامات اینچنینی بر علیه نظامیان امریکایی نیز انجام داده شد.

همچنان بخاطر باید داشت که خبرگذاری فدرال در قبال ایدئولوژی، نحوه فعالیت ها و چگونگی عملکردهای گروههای افراطی و تروریستی، نگرش منفی دارد. اطلاعات در مورد تاریخچه، فعالیت ها، اقدامات، دیدگاهها و اهداف هر سازمان افراطی و تروریستی، جنبه تبلیغاتی نداشته، بلکه صرف بمنظور مقاصد اطلاعاتی ارائه می گردد.

بتازگی، دولت پاکستان بمنظور کنار آمدن با تروریست های محلی، از جمله با "تحریک طالب های پاکستان" آتش بس نموده و اما برای گروه "طالب" های دیگری بمنظور تصرف قدرت در کشور ما همکاری نموده و بمتابیه جاده صاف کن آنها مبدل گردید.

براین بنیاد، هیأت پاکستانی بولایت خوست وارد گردیده و با نماینده های "تحریک طالب های پاکستان"، ملا قات و گفتگوهایی انجام پذیرفت. پس از آن، طرف های یاد شده، آمادگی شان را بمنظور تداوم گفتگوهای یاد شده اعلام نمودند. یکماه پس از آن، قرارداد آتش بس را امضا نمودند. بر بنیاد اظهارات مقامات پاکستانی

در اسلام آباد، ممکن قرارداد یادشده تمدید گردد.

در مورد مشخصات و نحوه عملکرد "تحریک طالب های پاکستان" باید افزود که گروه بندی یادشده در امتداد سال ۱۳۸۶ پا بعرضه وجود نهاد. در امتداد ماه جدی سال یادشده، به نخستین اقدام تروریستی مبادرت ورزید که در نتیجه با انجام حمله انتحاری بر قطار نظامیان پاکستانی در شهر منگوره بتعداد ۱۳ تن کشته و بتعداد ۲۵ نفر هم زخم برداشتند. گروه بندی یادشده، پس از چنین اقدامی، اعلام موجودیت نمود.

بمثابه یک واقعیت واضح بگونه مبرهن باید پذیرفت که گروه بندی یادشده با "القاعده" و "طالب" ها در داخل کشور ما دارای پیوند هایی می باشد. در امتداد سال ۱۳۹۳ در مجموعه یادشده با ایجاد انشعاب داخلی و مؤثریت عملیات ضد تروریستی از یک جانب و از جانب دیگر، تضعیف "طالب" های پاکستانی که در نوع خود، مهیب ترین تروریست ها در صفوف آن متشکل گردیده بودند، بیش از پیش تشدید بعمل آمد.

با اینحال، "تحریک طالب های پاکستان"، تا با امروز همچنان فعال می باشند. دسته بندی یادشده در امتداد سال ۲۰۲۰، به ۹۵ اقدام دهشت افکنانه متوسل گردید که در نتیجه آن بتعداد ۴۰ تن از افراد ملکی بهلا کت رسیدند. همچنان، دسته بندی تروریستی یادشده در جریان سال پار نیز بانجام ده اقدام تروریستی مبادرت ورزیدند. "تحریک طالب های پاکستان"، سازمان و دسته بندی یکپارچه ای نبوده، بلکه بمثابه چتری پنداشته می شود که بیشتر از ده ها گروه بندی های تروریستی را کنار هم آورده که در جمع یادشده، گروه حکیم الله محسود و طالب های پنجاب از جمله قدرتمند ترین همه گروه بندی ها بحساب می آیند.

بایست متذکر گردید که تحریک یادشده، خواهان گشایش "دفتر سیاسی" در کثورتالٹ می باشند. بخاطر باید داشت که پاکستان و تحریک یادشده از آغاز ۹ ماه نوامبر سال پار باتش بس یکماهه توافق نمودند. گفتگوهای یادشده با میانجیگری "طالب" ها در کابل و بویژه با پادرمیانی شبکه حقانی انجام شد. هر دو جانب، حداقل با هم سه دور گفتگوها داشتند، یکی در کابل و دودیدار هم در ولایت خوست. همچنین، دولت پاکستان و تحریک طالب های آن کشور، کمیته هایی بمنظور ادامه و پیشبرد روند یادشده و تلاش بمنظور ادامه آتش بس و حصول توافق صلح دایمی تشکیل دادند.

زمانی که "طالب" ها در امتداد سال ۱۴۰۰ کابل را متصرف گردیدند، پاکستان فهرستی از خواسته هایش را به مقامات جدید تشکیل یافته "طالب" ها در کابل تحویل داد که از جمله در برگیرنده انجام اقدام عملی علیه جنگجویان "تحریک طالب های پاکستان" بود که بنا بادعای آنها از داخل افغانستان به فعالیت های ضد پاکستانی مبادرت می ورزند. با اینحال، "طالب" ها در کابل به برآوردن تقاضای "برادر بزرگ" لبیک گفته و اما بعوض اقدام عملی علیه آنها، تعقیب راه حل از طریق گفتگو و مذاکره میان اسلام آباد و تحریک طالب های آن کشور را مطرح نمودند.

بخاطر باید داشت که جدا از اعتقادات اصلی و بنیادی شریعت اسلامی و جهاد، پیدایش ستیزه جویی خشونت آمیز در کشور عزیز ما، ریشه در سیستم اجتماعی - اقتصادی، عدالت اجتماعی، نحوه آموزش و چگونگی حکومتداری در کشور ما دارد. بیسوادی قشر عظیمی از جامعه افغانی، موجودیت بیعدالتی های اجتماعی، حاشیه نشینی، مشکلات و معضلات اقتصادی و انزوای سیاسی بمثابه یک گل بهم پیوسته منجر به ناامیدی و عدم اطمینان بآینده میگردد، هنگامی که عدم اطمینان بآینده به سطح معینی می رسد، قربانیان به جستجو و دستیابی بفرصت هایی آغاز می نمایند تا از ناامیدی و عدم اطمینان بآینده استخلاص ورهایی یابند.

از جانب دیگر، چگونگی اوضاع سیاسی - اجتماعی کشور ما نگرانی هایی را ببار آورده است، چه، گروه های بنیادگرای مذهبی، بگونه تکراری و معمول از قول و قرار های موجود، استفاده ابزاری نموده و با استفاده از فرصت بوجود آمده به تجدید قوا پرداخته و پس از مهلت مورد نظر، با قوت بیشتر بانجام برنامه های مورد نظرشان مبادرت می ورزند.

اما از جانب دیگر، "طالب" ها در مورد موجودیت منابع وسیع و گسترده بشری در کشور خیر دادند. منابع "طالب" ها در جریان مصاحبه ای با بی بی سی در پاسخ باظهارات نخست وزیر پاکستان در مورد اعزام متخصص های اموریبه کشور ما، از پاکستان بدلیل طرح یادشده استقبال نموده و اما بصراحت متذکر گردیدند که به نیروی کار بیشتر به کشور ما اصلن ضرورتی احساس نمی گردد، چه در کشور ما باندازه مورد ضرو رت کادرهای با درک و مجهز با دانش معاصر عملن موجود می باشند. در این خصوص، توسط محمد نعیم وردک، مسؤل مطبوعاتی دفتر سیاسی "طالب" ها در قطر نیز بر مسأله و موضوع یادشده تأکید بعمل آمد.

نامبرده ادامه داده افزود که هرکشوری می تواند بمنظور انجام امور مربوط، کادرهای مسلکی و کار آزموده را از خارج کشور دعوت نماید و این کار در صورتی انجام می پذیرد که کشور مبدأ در مورد یادشده بموجودیت و حضور کادرهای ورزیده ضرورت داشته و در زمینه یادشده، احتیاج مبرم احساس گردد. اما خوشبختانه، کشور عزیز ما از رهگذر یادشده، در حد لازم از کادرهای با تجربه ای برخوردار می باشد. همچنان یادآوری بعمل آمد که جانب افغانی خواهان همکاری های سازنده و مفیدی در زمینه همکاری های اقتصادی، تجاری و مالی با سایر کشورها می باشد. بایست متذکر گردید که همین اکنون و قبل از همه، برخی از مشکلات بانکی در کشور عملن موجود می باشد که بمنظور حل و فصل آن، ضرورت به کمک ها و معاونت های جدی، کاملن محسوس می باشد.

همچنان توسط مقامات مسؤل "طالب" ها در کابل اظهار گردید که از جانب کشورهای مختلف، طرح هایی به منظور ارائه کمک و معاونت مشابه پیشنهاد عمران خان بآنها ارائه گردیده است. همچنان حامد کرزی، رئیس جمهور پیشین کشور در صفحه فیسبوکش از پیشنهاد دولت پاکستان ستایش نموده و اما اظهار نمود که افغانستان بویژه در شرایط و وضعیت کنونی، به موجودیت و حضور کارشناسان خارجی اصلن ضرورت ندارد. عمران خان نامبرده مدتی قبل اظهار نمود که در نظر دارد تا کارشناسانی در عرصه های بهداشت، اقتصاد و حسابداری به افغانستان بفرستد. اظهارات اینچنینی عمران خان، واکنش های شدیدی را بویژه در اجتماعات روشنفکری کشور برانگیخت.

از جانب دیگر، این واقعیت بهمگان واضح و روشن می باشد که مسأله "دیورند"، بویژه در کشور عزیز ما بمثابه خط قرمز شناخته می شود. وضعیت سیاسی - اجتماعی، میان دو کشور مطرح (افغانستان و پاکستان) بویژه پس از تحمیل خط یادشده، بگونه همیشگی منتسج بوده و گاهی هم به درگیری های مسلحانه منجر گردید. قابل یاددهانی پنداشته می شود که درگیری های یادشده در دوطرف خط "دیورند"، گاهی در نتیجه سؤ تفاهم و گاهی هم بگونه آگاهانه بوقوع پیوسته، اما تقابل منافع سیاسی، تغییر و تبدیل حاکمیت سیاسی در کشور، مخالفت ها و ضد و نقیض گویی های تاریخی میان دو کشور را که بمثابه آتش زیر خاکستر پنداشته می شود، ممکن هر لحظه مجددن شعله ورنماید.

حصار کشی با سیم خاردار و ایجاد موانع و برج های مراقبتی در امتداد خط "دیورند" در هفته های پسین، سبب سازد درگیری هایی میان طرفین گردید. از طریق وسایل اطلاعات همگانی کشور وسایت های اجتماعی، ویدیو هایی بنشر رسید که در آن "طالب" ها به برداشتن حصارها و سیم های خاردار یادشده که توسط پاکستان ایجاد گردیده بود، مبادرت ورزیدند. در ویدیو های یادشده دیده می شود که "طالب" ها شادمانی شان را از چنین اقدامی پنهان ننموده و متذکر گردیدند که اقدام به حصار کشی های اینچنینی در اراضی متعلق بکشور ما ایجاد گردیده و باید تخریب می شدند.

بتاریخ ۲۸ ماه قوس سال روان، اطلاع داده شد که "طالب" ها برخی از حصارهای ایجاد شده مرزی توسط پاکستان در منطقه ای از ولایت ننگرهار را نیز تخریب نمودند. در آغاز ماه جدی سال یادشده، اقدام اینچنینی در منطقه مرزی نیمروز نیز انجام پذیرفت.

فراموش خاطر ما نشود که خط "دیورند" در امتداد سال ۱۲۷۲ در زمان حاکمیت استعماری انگریز در هند بریتانوی بامتداد ۲۶۷۰ کیلومتر بر پیکر کشور ما تحمیل گردید. پس از ایجاد و ذایش نامیمون پاکستان، خط یادشده بمثابه مرز رسمی میان دو کشور توسط هیچ حاکمیت ودولتی در کشور، اصلن بمثابه مرز رسمی میان دو کشور برسمیت شناخته نشده و بر وجهه قانونی آن صحه گذاشته نشده و در آینده ها نیز، برسمیت شناخته نخواهد شد.

این، شهروندان کشور ما بویژه در هر دو طرف خط یادشده می باشند که باید در مورد آینده آن تصمیم گرفته و با اقدامات عملی متوسل گردند. این باید مورد بررسی و محاسبه قرار گیرد که آنها بمنظور تأمین صلح وثبات و با استفاده از وسایل و شیوه های پذیرفته شده، طرف ها از چه موقف و موضگیری پشتیبانی می نمایند. در مورد وضعیت کنونی، بایست یادآور گردید که شهروندان کشور عزیز ما در هوای سرد زمستانی با کابوس مرگ مواجه می باشند، که نباید با بی توجهی از آن گذشت.

در مورد مجموع مسایل و موضوعات یادشده، بمنظور نجات جان شهروندان کشور تا دیر نشده باید با اقدامات تعیین کننده ای مبادرت ورزید تا بیش از پیش با برداشتن گام های سازنده و قاطعی در امر نجات میهن عزیز

و شهروندان کشور ما مفید و مؤثر واقع گردیم. مسئولیت تاریخی و انسانی نباید در این مورد فراموش خاطر ما شود.

بر بنیاد انکشاف اخیر اوضاع کشور، نطق وزارت امور خارجه در صفحه تویترش نوشت که هیأتی از "طالب" ها بنا بدعوت وزارت امور خارجه ناروی بمنظور شرکت و سهمگیری در جلسه مشورتی نماینده های برخی از کشورها به اسلو وارد شدند.

بر بنیاد اظهارات نامبرده، قرار است میان نماینده های کشورهای مختلف و با شرکت و سهمگیری تعدادی از شهروندان کشور در عرصه معاونت های بشردوستانه، مسایل و موارد سیاسی، تعلیم و تربیه و معضلات اقتصادی در اسلو، گفتگوهایی انجام پذیرد.

منابع خبری اطلاع دادند که در اواخر ماه نوامبر سال پار، در دوحه مرکز قطر، ملاقات و گفتگوهایی میان هیأتی از اتحادیه اروپا و "طالب" ها انجام پذیرفت. اما قابل یاددہانی پنداشته می شود که هیأت اتحادیه اروپا بتاريخ ۲۹ ماه نوامبر سال پار با اعضای "طالب" ها در دوحه ملاقات نمودند. ملاقات و گفتگوهای یاد شده بمدت چهار روز ادامه یافت، طرف های شرکت کننده در مورد بدتر شدن وضعیت بشری در کشور اظهار نگرانی نموده و در مورد جستجوی راهایی بمنظور عادی ساختن وضعیت در کشور بحث و گفتگو نمودند. نماینده اتحادیه اروپا بگونه مشخص یادآور شد که آماده است تا بگونه ای بطرف های درگیر در منازعه کنونی در افغانستان، کمک های مادی و مالی ارسال نماید. همچنان تاکید بعمل آمد که کمک ها و معاونت های یاد شده باید از طریق سازمان های بین المللی به افغانستان فرستاده شود.

یکشنبه ۳ ماه دلو سال ۱۴۰۰ خورشیدی